

• پرتویی از کلام امام جواد علیه السلام •

مکارم

صابر رازگردانی



سرشناسه: رازگردانی شراهی، صابر، ۱۳۶۶ -
 عنوان و نام پدیدآورنده: معدن وفا/صابر رازگردانی.
 مشخصات نشر: تهران: تهران: انتشارات حقی، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: ۱۲۴ص.
 شابک: ۷-۳۴-۵۵۷۹-۱۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: بی‌الای عنوان: پرتوی از کلام امام جواد علیه‌السلام.
 یادداشت: کتابخانه.
 موضوع: محمد بن علی (ع)، امام نهم، ۱۹۵ - ۲۲۰ ق.
 Muhammad ibn Ali, Imam IX, ۸۳۵-۸۱۰
 موضوع: محمد بن علی (ع)، امام نهم، ۱۹۵ - ۲۲۰ ق. -- فضایل
 Muhammad ibn Ali, Imam V, Virtues
 رده بندی دیکی: ۲۲۴
 رده بندی دیکی: ۲۹۰۹۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۰۹۵۰۰
 اطلاعات رکورد کتابشناسی ملی

معدن وفا

قیمت ۳۱۶ هزار تومان

پدیدآورنده: صابر رازگردانی

ناشر: انتشارات حقی

نوبت چاپ: اول-۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ جلد

ناظر فنی چاپ: هادی صداقتی

طراح جلد و قالب صفحات: سیدایمان نوری نجفی



ایمیل: Hafy.Pub@gmail.com
 تلفن: ۰۹۱۲۸۷۱۹۰۴۸ : ۰۵۸۹۴۹۶۴-۲۱

فهرست

۹	دیباجه
۹	مطلع اول
۱۱	مطلع دوم
۱۴	مطلع سوم
۱۸	مطلع چهارم
۱۹	مطلع پنجم
۲۱	مطلع ششم
۳۲	مطلع هفتم
۳۴	مطلع هشتم
۳۷	مطلع نهم
۴۱	شکوه جودِ کلام
۴۳	بخش اول
۵۰	بخش دوم
۵۲	بخش سوم



۵۸	بخش چهارم
۶۲	بخش پنجم
۶۶	بخش ششم
۶۷	بخش هفتم
۶۹	بخش هشتم
۷۱	بخش نهم
۸۵	باب المراد
۸۷	زیارت جواد الائمه علیهم السلام
۹۱	ابن الرضا علیه السلام
۹۳	مروری کوتاه بر زندگی امام جواد علیه السلام
۱۰۱	تسним
۱۱۰	خاتمه
۱۱۲	منابع



♦ دیباجه

قال الله تعالى: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾

♦ مطلع اول

مسیر معرفت الهی از راه قویم اهل البیت علیهم السلام میسر است، و این به یحسان آن نیست که خدای متعال مجبور بوده باشد که فقط بوسیله اهل البیت علیهم السلام شناخته شود، بلکه این لطف الهی به ائمه اطهار علیهم السلام و همه شجران ایشان است و به راستی توفیق اتصال به سرچشمه ی زلال الحق کثیر آل الله علیهم السلام، مایه خیر عاقبت و معرفت الله است.

گذاخت جان که شود کار دل تمام و نشد
بسوختیم در آرزوی خام و نشد
هزار حیلہ برانگیختیم تا شاید
بریم ره به سراپرد تمام و نشد
به معرفت نرسی تا به وصل او نرسی
که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد

فغان که در طلبش عمر رفت و یک ساعت
ز وصل دلکش او خواستیم کام و نشد
دریغ و درد که در جستجو سرآمد عمر
شباب و شیب در این کار شد تمام و نشد

همه مادر وجودمان شمعى از قندیل معنویت را داریم و اگر
بتوانیم این نور را صیانت و محارست کنیم و با کوشش نستوه در
ظرایف اخلاق به نور عقل و معرفت نورانی خاندان وحی برسانیم،
این شمع کوی سواد از عالم معنویت، می تواند بر اثر اتصال کوثری،
از حالت مادی متوجه به فراتر از آن سفر کند. بلکه باید هر چقدر
که می توانیم از انسان کامل نورانی و محبان نورانی آل الله ﷺ
فیضی رساتریابیم، چرا که هر گاه محتاج این حرکت تکاملی
ولایی هستند.

در حدیث ارزشمندی امام جواد علیه السلام می آیند:
الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ تَوْفِيقِي مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَاعِظِي مِنْ
نَفْسِهِ وَقَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ

قدردانی از مراتب تجلی نورانیت، در احترام به بیوت انبیا و اولیا

۱. فیض کاشانی، شوق مهدی (علیه السلام)

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۳۲۹

آغاز می شود و توجه و توسل به هر کدام از اهل البیت علیهم السلام، کبریت
فروزانی در روشن نمودن شمع وجود ماست. روشنایی کوثری و زلال
دائمی که انسان را از حیرت و گمراهی نجات می دهد.

در حالت اجتماعی و تمدنی نیز، با ظهور حضرت ولی
عصر عجل الله تعالی فرجه، حجاب های معرفت از محیط جهانی به طور کلی کنار
می رود و انسان با حقیقت فطری و اخروی خود آشنا می شود.

♦ مطلع دوم

امامت حضرت امام جواد علیه السلام در دوران نوباوگی، از معجزات
قرآن کریم و نبوت رسول الله صلی الله علیه و آله است. با شروع ابلاغ نهایی مسأله
امامت در غدیر خم، پس از سپری شدن ترتیبات سی اتمه علیهم السلام، این
جایگاه به وجود نازنین حضرت محمد تقی علیه السلام رسید که همین امر،
حجت تازه و قدرتمندی از حکمت امامت را ظاهر و ساطع گردانید.
در دوران پرهیاوهی امام جواد علیه السلام، جمعیت شیعیان رو به
افزایش بود، در این روزگار، رهبری امام نوجوان ولیکن عالم و فاضل،
از کرامات ولایت امام نهم علیه السلام محسوب می گشت. چنانکه مناظره
با مفتیان و قاضیان مهم زمان، مانند یحیی بن اکثم، از ویژگی های

مهم زندگی علمی امام جواد علیه السلام می باشد.

امام جواد علیه السلام از منادیان غلبه اخلاق نیک در همه شئون زندگی بودند و در برابر انحراف از خط اصیل امامت بسیار حساس عمل می کردند. با این حال، مأمون عباسی با نیرنگ هایی شوم و فریب های بسیار زیرکانه، به دنبال ریشه کن نمودن اصل اعتقاد و گرایش های مستحکم جامعه مسلمین به امامت بود. در این دوران مهم، صیقلی اصحاب امام جواد علیه السلام با تواضع و اطاعت کامل، کار بسیار بزرگ انجام دادند. چرا که بیشتر آن بزرگواران، از لحاظ رده ی سنی، جوان، جوانسال و یا پیر بودند و امام جواد علیه السلام مدت امامت خود را در دوران نوجوانی و اوایل جوانی گذراندند.

یاران حضرت به شکلهای گوناگون مانند وکالت و روایت، در برابر جریان های مخالف امامت ایستادگی کردند. شخصیت هایی همچون علی بن جعفر رضی الله عنه، حق بزرگی در روشنگری وادی حق ولایت داشتند. چنانکه نوشته اند وقتی که امام جواد علیه السلام در سنین کودکی به نزد علی بن جعفر رضی الله عنه، فرزند امام ششم، برادر امام فتم و عموی امام هشتم آمد، علی بن جعفر رضی الله عنه شتابان، با پای برهنه، به سوی جواد علیه السلام رفت و دستان حضرت را بوسید و او را به شدت تکریم و احترام نمود. از این ارادت شگفت، اطرافیان و شاگردان ایشان پرسش نمودند و علی بن جعفر رضی الله عنه، با احترامی ویژه، خود را بنده امام جواد علیه السلام معرفی کرد.

شیخ محدث والامقام کلینی رحمته الله روایت می کند:

الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلَادٍ الصَّقَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَالِساً بِالْمَدِينَةِ وَكُنْتُ أَقْمْتُ عِنْدَهُ سَنَتَيْنِ أَكْتُبُ عَنْهُ مَا يَسْمَعُ مِنْ أَخِيهِ يَغْنِي أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَسْجِدَ مَسْرِعاً الرَّسُولَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوُتِبَ عَلَيَّ بْنُ جَعْفَرٍ بِلا جَدَاءٍ وَلَا رِذَاءٍ فَقَبِلَ بِهِ وَتَوَلَّاهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَمِّ اجْلِسْ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَدْ كُنْتَ بِي كَيْفَ اجْلِسُ وَأَنْتَ قَائِمٌ فَلَمَّا رَجَعَ عَلَيَّ بْنُ جَعْفَرٍ إِلَى مَجْلِسِهِ بَغَا أَسْحَابُهُ يُؤَيِّنُونَهُ وَيَقُولُونَ أَنْتَ عَمُّ أَبِيهِ وَأَنْتَ تَفْعَلُ بِهِ هَذَا الْفِعْلَ تَكُنْ أَكْثَرًا إِذَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَقَبَضَ عَلَى لِحْيَتِهِ لَمْ يُؤْهِلْ هَذِهِ السَّيْبَةَ وَأَكْلَ هَذَا الْفَقَى وَوَضَعَهُ حَيْثُ وَضَعَهُ أَنْكَرُ فَضْلَهُ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُونَ قَالَ يَا آلَهُ عَبْدُ

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۲

محمد بن حسن بن عمار گوید: من دو سال نزد علی بن جعفر بن محمد بودم و هر خبری که او از برادرش موسی بن جعفر رحمته الله شنیده بود، می نوشتم، روزی در مدینه خدمتش نشسته بودم که ابو جعفر محمد بن علی الرضا رحمته الله در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او وارد شد، علی بن جعفر برخاست و بدون کفش و عبا نزد او رفت و

♦ مطلع سوم

نام زیبای او محمد، کنیه اش ابو جعفر ثانی و لقب مشهورش جواد الائمه علیه السلام است. امام نهم حضرت ابن الرضا، الثَّقَفِي الْمُتَّقِي، الْمُتَجَبُّ الْمُتَرَضِّي، الْمُرَضِّي الْمُتَوَكِّل، الْعَالِمُ الرَّبَّانِي، ظَاهِرُ الْمَعَانِي علیه السلام، امید شیعیان و محبان اهل البيت علیهم السلام است.

محدث والامقام شیخ کلینی رحمته الله روایت می کند:

يَحْيَى بْنُ مَعَاذٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ بِمَكَّةَ وَوَيْلَتُهُ رُمُوزًا وَيُطْعِمُهُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا الْمَوْلُودُ الْمُبَارَكُ قَالَ نَعَمْ يَا يَحْيَى هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ مِثْلَهُ شَرَّاءُ أَغْظَمَ بَرَكَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ^۱

دستش را بوسید و احترامش کرد، ابو جعفر علیه السلام ای عموا! بنشین، خدایت رحمت کند، او گفت: آقای من! چگونه من بنشینم را؟ متاده باشی؟ چون علی بن جعفر به جایگاه خود برگشت، اصحابش او را سرزنش کرده می گفتند: شما عموی پدر او هستید و با او این گونه رفتار میکنید؟ او دست خود را به ریش خود گرفت و گفت: خاموش باشید، اگر خدای عز و جل این ریش سفید را سزاوار (امامت) ندانست و این کودک را سزاوار دانست و به او چنان مقامی داد، من فضیلت او را انکار کنم؟^۱ پناه بخدا از سخن شما، من بنده او هستم.

یحییٰ صنعانی می‌گوید: در مکه خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. دیدم آن حضرت موزی را پوست می‌کند و به امام جواد علیه السلام می‌خوراند. عرض کردم: فدایت شوم این مولود مبارک است. حضرت علیه السلام فرمود: آری ای یحییٰ! این مولودی است که در اسلام پیربرکت‌تر از او برای شیعیان نیست.

امام جواد علیه السلام اُسوه کرم و بخشش و عطای خالصانه و کریمانه بود. بخشش او همچون جیحون جود و کرامت، جاری و زلال بود. امام مظلوم ما از و جرد یک جاسوس خانگی رنج می‌برد و با وجود آزارهای حکومتی و خانوادگی از طرف اشقیاء، تمام کوشش خود را برای حفظ کیان تشیع علوی علیه السلام حفظ صراط نبوت محمدی صلی الله علیه و آله به بهترین حالت ممکن می‌نمود.

سیاست خلفای عباسی، در جهت حقّه بازی و فریب پیش می‌رفت و ابن الرضا علیه السلام در استرئی اجتماعی قرار گرفته بود و از آزادی معمولی در اصلاح و سرپرستی جامعه بازداشته شده بود، با این حال، خانه امام جواد علیه السلام، ملجایی پناها، سره مستضعفان و محضر نورانی او، مرجع حضور صالحان و راویان حدیث بود.

وجود آرام و خاشع جواد الاثمه علیه السلام، مأوای اهل توسل و تولاست. اینچنین امام جواد علیه السلام باب المراد ثامن الاثمه و باب نور واحد آل الله صلی الله علیه و آله است. دوری امام جواد علیه السلام از حضرت رضا علیه السلام در پی هجرت پدر به طوس، آزمایشی سنگین برای مردم زمانه و دردی

امام رضا علیه السلام، یعقوب وار، توکل خود را به خدای متعال محکم نموده بود که قال الله تعالی:

﴿وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ
وَمَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ
عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾

همبستگی و سازگاری علمی و رفتاری امام جواد علیه السلام با
آموزه‌های پدران خود در دوران طفولیت، از کرامت‌های بی‌بدیل
حضرتش می‌باشد... آنکه مرتبه امامت قبل از دوران بلوغ به حضرت
رسید، لکن نظام دینی و فکری امام جواد علیه السلام هیچ تفاوتی با امام
هشتم علیه السلام ندارد، بلکه امام جواد علیه السلام به عهد امامت پدرشان نزدیکتر
از هر کس دیگر هستند.

تسلط و پاسخگویی کامل در گفتمان‌های اعتقادی و علمی
در فضایی سنگین و چالش برانگیز، قدرت تأثیر تعلیمات ربّانی در
وجود حضرت امام جواد علیه السلام را نشان می‌دهد. مدیریت امام جواد علیه السلام
مکتب علم لدنی و علوم امامت است و همین سئاله، موضوع
امامت ایشان را بسیار خاص و ممتاز می‌سازد.

امام جواد علیه السلام الگویی کامل برای پسر و جوان است، لکن یک رابطه‌ی حسی و عاطفی میان نوجوانان شیعه با حضرت جواد علیه السلام وجود دارد و همه پسران و دختران نوجوان مکتب اهل بیت علیهم السلام، حضرت جواد علیه السلام را الگوی حقیقی صبر و ایمان و استقامت خود می‌دانند.

امام جواد علیه السلام پدramت بود، هر چند به لحاظ سنی، در نوجوانی به امامت رسیده بود. لکن موضوع عظیم امامت، مافوق سن و سال و محدودیت‌های این چنینی است.

محضر امام جواد علیه السلام را از طاهرین علیهم السلام با این عبارت زیارت جامعه کبیره عرض می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَى مَحَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَنَسَائِكِنِ بَرَكَاتِ اللَّهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

♦ مطلع چهارم

ز عشقش آمدم در محضر خورشید خوبی‌ها
 ز شوقش آسمان آسا شدم در چشم بارانها
 زیارت کرده در تکبیر قدوسی معلّا را
 هر آنکس بشنود از او صدای لن ترانی‌ها
 بزن نقاره را خادم که از بغداد می‌خواند
 نسیم آشنایی‌ها، بسوی مشهد طاها
 جواد آل نیر و جمال جلوه‌ی یاسین
 امام لم یزل، با علم ربّانی به دریاها
 مراد عاشقان بند حریه از جودش
 تبسم که آن والا به این بیمار طوفان‌ها
 دل ما را دگرگون دگرگون کرد ولایم
 ز سوز مادرش افروادم و رفتم به صحراها
 سرای نیستی دیدم به جز منزلگه حیران
 خدایا شکر، از این نعمت عالی عالم‌ها

♦ مطلع پنجم

حضرت خضر علیه السلام مونس و همدم امام زمان حضرت مهدی علیه السلام است. در اقتدای به این پیامبر جلیل القدر علیه السلام، شهادت می دهیم به امامت حضرت جواد الاثمه علیه السلام، همان شهادتی که خضر نبی علیه السلام در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام اقرار نمود و امام جواد علیه السلام آنرا نمایان کرد.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِذَلِكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالِاهِ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَأَشَارَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيٌّ وَأَقَامْتُ بِحُجَّتِهِ وَأَشَارَ إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
أَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَخِيهِ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ بَعْدَهُ وَأَشْهَدُ
عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحُسَيْنِ وَأَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدٍ
بَنِيهِ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَأَشْهَدُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ وَأَشْهَدُ عَلَى مُوسَى بْنِ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ وَأَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَأَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَأَشْهَدُ عَلَى
عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ

لَا يَكُنِّي وَلَا يُسَيِّ حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلْت جَوْرًا...

اندیشه کوشش در راه مهدویت، از برنامه های عقیدتی حضرت جواد الائمه علیه السلام بوده است. تفکر حضرت بر پایه عدالت اجتماعی و تغییر نرم اوضاع به سمت انتظار فرج در دوران غیبت قرار می گرفت. انتظار فرج، بخش حیاتی شناخت زندگی شیعیان ائمه اطهار علیهم السلام است و تحمّل همه تلخکامی های دوران غیبت، مهمتر از شادکامی های پوچ و بیهوده است.

از این امر بدو عین و متعالی، امام جواد علیه السلام می فرمایند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتَظَارُ الرَّحْمَةِ»^۱

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۷

♦ مطلع ششم

امامت امام جواد علیه السلام امری آسمانی و قدسی است و از او امر صعودی لیلۃ المعراج محمدی صلی الله علیه و آله به صحنه‌ی اعتقاد شیعیان نزول یافته است. بر این اساس، نه امامتش در کودکی عجیب و نه شهادتش در دوران جوانی محل تعجب باشد. بلکه حضرتش رهبر برکات، منزه بامت، دعوت و دلیل غایی الی الله است. چه عجب که حضرت عیسی علیه السلام و یحیی علیه السلام در کودکی به نبوت رسیدند و یوسف پیامبر علیه السلام در دوران کودکی از پدر گرامیش دور افتاد. ابن المعلم، رحمه الله جلال القدر شیخ مفید رحمه الله در کتاب الارشاد می‌نویسد:

أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ قَالَ: خَرَجَ عَلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِذِّثَانِ مَوْتِ أَبِيهِ فَتَنَزَّلَ إِلَيَّ قَدِيرًا لِأَصِفَ قَامَتَهُ لِأَصْحَابِي فَقَعَدْتُ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ فِي الْإِسْلَامِ بِمِثْلِ مَا اخْتَجَّ بِهِ فِي النَّبُوءَةِ فَقَالَ: «وَأَتَيْنَاهُ بِالْحُكْمَةِ صَبِيًّا»

۱. مریم، آیه ۱۲.

۲. معلى بن محمد گوید در آغازی که حضرت ابو الحسن علیه السلام رحلت کرده بود فرزندش ابو جعفر علیه السلام را دیده خواستم قامت آن جناب را کاملاً بررسی نمایم تا برای یاران خود

ثقة الاسلام، شیخ کلینی رحمته الله نیز به این شکل روایت نموده:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ قَالَ: خَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ فَتَنَظَرْتُ إِلَى رَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ لِأَصِفَ قَامَتَهُ لِأَصْحَابِنَا يَبْصُرَ قَبِينَنَا أَنَا كَذَلِكَ حَتَّى قَعَدَ وَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ فِي الْإِمَامَةِ بِمِثْلِ مَا اخْتَجَّ فِي النَّبُوءَةِ فَقَالَ: «وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» قَالَ «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ» «وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» فَقَدْ يَجُوزُ أَنْ يُؤْتَى الْحُكْمَ صَبِيًّا وَيَجُوزُ أَنْ يُعْطَاهَا وَهُوَ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

توصیف نمایم حضرت امیر عليه السلام همان جا جلوس فرموده و گفت: ای معلى خدای متعال همان دلیلی که برای اثبات نبوت آورده به همان دلیل نیز امامت را ثابت کرده که می فرماید «وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» یعنی مادر کودکی او را بشرف حکم خود برگزیدیم.

۱. مریم، آیه ۱۲

۲. یوسف، آیه ۲۲

۳. احقاف، آیه ۱۵

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۹۴

علی بن اسباط می گوید: آن حضرت (امام جواد علیه السلام) بیرون آمد و من از سر تا پایش را نگاه کردم تا اندام او را برای هم مذهبیان مصری خودمان وصف کنم، در این میان بودم که نشست و فرمود: ای علی! به راستی، خدا در امامت همان دلیلی را آورده که در نبوت آورده و فرموده است: «وَحُكْمَ نُبُوتٍ رَأَى كُودُكِي بِهِ أَوْدَدِیمُ» و فرموده: «و چون نیرومند و چهل ساله شد» روا باشد که حکم را به کودکی عطا کند و روا باشد که به او در سن چهل سالگی داده شود.

آنهایی که با معارف اهل البیت علیهم السلام آشنا باشند، امامت امام جواد علیه السلام را یک امر ناب و خاص می دانند. حضرت امام جواد علیه السلام محبوب همه محبتان و مؤمنان به حکمت ولایت علوی علیه السلام است. امامی پاک از نواقص، امام حرکت داده شده در عوالم عظمت توحیدی، امامی که خدای متعال او را وسیله هدایت و سعادت قرار داد. امامی از ذریه ی پیامبران و امامان و بندگان سپاسگزار حق؛ امامی بر علیه فساد و برتری جویی ستمگران، امامی در انتظار انتقام بیت الرضا علیهم السلام و عاشورا، امامی که عزت را به خانه حضرت رضا علیه السلام جلوه گر ساخت، و امامی که امامتش به سخت ترین امتحانات امت تبدیل شد. امامی که از قفای نیکی می آمد و از صورتش نور حسنین علیهم السلام تابش می کرد. اعتقاد به او، درهم کوبنده ی همه انحرافات در میان علویان بود.

امام جواد علیه السلام امید خاندان وحی و رحمت بر محبان الرضا علیهم السلام بود. او استوارترین برهان آیین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و زیباترین آمیزترین پیام ثقلین را در شایسته ترین حالت خود تبیین کرد.

امام جواد علیه السلام ماه شب های تاریک دوران خفقان بنی عباس بود. محبت به او، محبتی منور و مؤید است. امامت امام جواد علیه السلام، فصل کمال اعتقاد و منشور موفق سیادت رضوی علیه السلام است. کسانی که به اطاعت او رسیدند، به فضیلت های بزرگی دست یافتند. هر که به آستان او گرایش یابد، بهره ای بی نظیر از هدایت خواهد یافت. آستان

امامت او را با فسق و گناه نسبتی نیست و هر کسی که می خواهد به حضرتش هدایت یابد، باید از مهلکات نفس دوری گزیند.

هر چند مدت عمر جواد الائمه علیه السلام کوتاه بود و به سرعت سپری شد، لکن بصیرت ربانی و آگاهی لدنّی و سعی مشکور او، هر مؤمنی را به اراده ای استوار از اجلاس رحمت و عطای الهی می رساند.

مهر وجود امام جواد علیه السلام به آخرت خواهان حقیقی، بخشایشی اکبر در ذات دارد، و لکن به دنیا خواهان اهل تبذیر، دافعه ای سخت و سرد خواهد داشت، دافعه ای مانع، که مغروران و کافران، از آن محروم خواهند بود.

در حدیث ارزش مندی امام رضا علیه السلام به بیان مراتبی از رویداد غیبی معراج می پردازند مشروح آن چنین است:

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتٍ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبُخَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي بَكْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحٍ الْهَرَوِيُّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ

عَلَيْهِ مِنِّي قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمَ
جَبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى
مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْفَضْلُ
بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَلِلْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِكَ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُذَامُنَا وَخُدَامُ
مُحِبِّينَا يَا عَلِيُّ «الَّذِينَ يَخْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ
رَبِّهِمْ... وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» يُولَايَتِنَا يَا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ
اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ فَكَيْفَ لَا
تَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَتَسْبِيحِهِ وَ
تَهْلِيلِهِ وَتَقْدِيسِهِ لَأَنْ أَمَلْ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقَ أَرْوَاحِنَا فَأَنْطَقْنَا
بِتَوْحِيدِهِ وَتَحْمِيدِهِ ثُمَّ سَمِعْنَا الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا
اسْتَغْظَمُوا أَمْرَنَا فَسَبَّحْنَا بِحَمْدِ الْمَلَائِكَةِ أَنَا خَلْقُ مَخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ
مُنَزَّهٌ عَنْ صِفَاتِنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا وَنَزَّهَتْهُ عَنْ صِفَاتِنَا
فَلَمَّا شَاهَدُوا عِظَمَ شَأْنِنَا هَلَّلْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ
أَنَا عَبِيدُ وَلَسْنَا بِإِلَهِةٍ يَجِبُ أَنْ نُعْبَدَ مَعَهُ أَوْ رَبًّا فَقَالُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّتِنَا كَبَّرْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنْ
أَنْ يُنَالَ عِظَمُ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ
وَالْقُوَّةِ قُلْنَا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا حَوْلَ لَنَا

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا وَاتَّجَبَهُ لَنَا مِنْ
فَرَضِ الطَّاعَةِ فَلَمَّا لَحِمْدُ اللَّهِ لِيَتَعَلَّمَ الْمَلَائِكَةُ مَا يَحِقُّ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ
عَلَيْنَا مِنَ الْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِهِ فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَبِنَا اهْتَدَوْا
إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَحْمِيدِهِ وَتَسْجُودِهِ ثُمَّ إِنَّ
اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعَنَا صُلْبَهُ وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ
لَهُ تَعْظِيمًا لَنَا وَإِكْرَامًا وَكَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبُودِيَّةً وَ
لِآدَمَ إِكْرَامًا وَطَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ أَفْضَلُ مِنَ
الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَجَدُوا لِآدَمَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ وَأَنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى
السَّمَاءِ أَذَّنَ جِبْرِيلُ مَنًى وَمَنًى وَأَقَامَ مَنًى مَنًى ثُمَّ قَالَ لِي تَقَدَّمْ يَا
مُحَمَّدُ فَقُلْتُ يَا جِبْرِيلُ أَتَقَدَّمُ عَلَيْكَ فَقَالَ نَعَمْ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيََاءَهُ عَلَيَّ وَلَا يَكْتُمُ أَجْمَعِينَ وَفَضَّلَكَ خَاصَّةً فَتَقَدَّمْتُ
فَصَلَّيْتُ بِهِمْ وَلَا تَحْزَنْ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى حُجُبِ النُّورِ قَالَ لِي جِبْرِيلُ
تَقَدَّمْ يَا مُحَمَّدُ وَتَخَلَّفْ عَنِّي فَقُلْتُ يَا جِبْرِيلُ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ
تُقَارِفُنِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ انْتِهَاءَ حَدِّي إِلَيْكَ رَضَعَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
فِيهِ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ فَإِنْ تَجَاوَزْتُهُ اخْتَرْتُ اجْزَاءَ حَتَّى يَتَعَدَّى حُدُودَ رَبِّي
جَلَّ جَلَالُهُ فَنُجِّ بِ فِي النُّورِ رَجَّةً حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى أَمْنٍ مَا شَاءَ اللَّهُ
مِنْ عُلُوِّ مَلِكِهِ فَتَرَدَّدْتُ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ رَبِّي وَسَعْدَيْكَ تَبَارَكْتَ

وَتَعَالَيْتَ فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ وَ
 عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ فَإِنَّكَ نُورِي فِي عِبَادِي وَرُسُولِي إِلَى خَلْقِي وَحُجَّتِي عَلَى
 بَرِيَّتِي لَكَ وَلِمَنِ اتَّبَعَكَ خَلَقْتُ جَنَّتِي وَلِمَنِ خَالَفَكَ خَلَقْتُ نَارِي
 وَلِأَوْصِيَائِكَ أَوْجَبْتُ كَرَامَتِي وَلِشَيْعَتِهِمْ أَوْجَبْتُ تَوَابِي فَقُلْتُ
 يَا رَبِّ وَمَنْ أَوْصِيَائِي فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ أَوْصِيَائُكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى
 سَاقِ عَرْشِي فَتَنَظَرْتُ وَأَنَا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّي حَلَّ جَلَالُهُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ
 فَرَأَيْتُ الْخَمْسَةَ عَشَرَ نُورًا فِي كُلِّ نُوْرٍ سَطَرٌ أَخْضَرُ عَلَيْهِ اسْمٌ وَصِيٌّ مِنْ
 أَوْصِيَائِي أَرْبَعَةٌ سِوَى أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمْ مَهْدِيُّ أُمَّتِي فَقُلْتُ يَا رَبِّ
 هَؤُلَاءِ أَوْصِيَائِي مِنْ عِبْدِي فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَائِي وَأَجَبَّائِي وَ
 أَصْفِيَائِي وَحُجَجِي بَعْدًا عَلَى بَرِيَّتِي وَهُمْ أَوْصِيَائُكَ وَخُلَفَاؤُكَ وَخَيْرُ
 خَلْقِي بَعْدَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأُطَهِّرَنَّ دِينِي وَلَأُعْلِيَنَّ بِهِمْ كَلِمَتِي
 وَلَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَلَأُمَكِّنَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ
 مَغَارِبَهَا وَلَأُسَجِّرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَلَأَذِلَّنَّ لَهُ الْأَسْبَابَ الصِّعَابَ وَلَأَرْقِيَنَّ
 فِي الْأَسْبَابِ وَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَلَأُمَدِّنَهُ بِدَائِي حَتَّى تَغْلُو دَعْوَتِي
 وَيَجْتَمِعَ الْخَلْقُ عَلَى تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكُهُ وَلَأُارِثَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ
 أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ترجمہ ابن روایت شریف بہ قلم استاد ہدایت اللہ مسترحمی:

حضرت امام رضا علیه السلام از آباء کرامش از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میفرمود: خلق نفرموده خداوند کسی را افضل و گرامی تر از من، علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله شما افضل هستید یا جبرئیل؟ فرمود: یا علی پروردگار فضیلت داده انبیاء و مرسلین خود را بر ملائکه مقربین، و فضیلت داده مرا بر تمامی ایشان و فضیلت بعد از من برای تو و سپس برای ائمه بعد از تو است، و ملائکه خادم ما را خادم دوستان ما هستند. یا علی ملائکه حمله عرش و ملائکه اطراف آن - مد و ستایش می نمایند خداوند را و طلب مغفرت میکنند برای کسانی که ایمان آورده اند (و بیاورند) بولایت ما (که ما را ولی و حجت خدا میدانند). یا علی اگر نبودیم خدای تعالی خلق نمیفرمود آدم و حوا (و اولاد آنها) و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را (با آنچه که در آنها است) و چگونه ما افضل نباشیم از ملائکه، حال آنکه سبقت و پیشی گرفتیم بر ملائکه در خداشناسی و تسبیح و تهلل و تقدیس خداوند. و علت سبقت ما این شد که: اولین چیزی که خدا خلق کرد ارواح ما بود و چون ملائکه ما را یک نور دیدند بزرگ و با عظمت شمرند و گمان خدائی به ما بردند) پس ما تسبیح خدای سبحان گفتیم تا ملائکه بدانند ما نیز همانند ایشان مخلوق هستیم و خدا غیر از ما است و منزله از صفات ما می باشد و ملائکه به تسبیح ما تسبیح گفتند و خدای را از صفات مخلوق منزله نمودند. و چون شأن و رتبه ما را بزرگ و با جلالت دیدند لا اله الا الله گفتیم تا بدانند که غیر از خدا (ای قادر لم یزل) خدای دیگری نیست،

و ما خدا نیستیم که باید عبادت ما را بنمایند و بدانند که ما بنده خدا هستیم و ملائکه به متابعت ما تهلیل گفتند و چون عظمت محل و مقام ما را مشاهده نمودند: تکبیر گفتیم تا بدانند که خدا بزرگتر از آنست که محلی برای او تصور شود، و کسی ببزرگی محل او نمیرسد. و چون عزت و قدرت ما را که خدا بما عنایت کرده بود دیدند گفتیم: لا حول ولا قوة الا بالله، تا بدانند ملائکه که ما حول و قوه‌ای نداریم مگر از خداوند. و چون مشاهده نمودند نعمت‌هایی که خداوند بما مرحمت فرموده بود، گفتیم: الحمد لله، تا بدانند که خداوند سزاوار حمد و ستایش است در مقابل نعمت‌هایی که بظرف میفرماید، پس ملائکه نیز گفتند: الحمد لله، و بسبب ما هدایت یابند معرفت و یگانگی و تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند. و خداوند پس از انکشاف آفات و اخلاص فرمود آدم را و ما را بودیعه و امانت در صلب او قرار داد، و امر فرمود به آنکه که سجده کنند بر آدم، و سجده ایشان برای عبادت خدا و برای اکرام و برای تعظیم و احترام ما بود چون در صلب او بودیم، پس چون ما افضل از ملائکه نباشیم و حال آنکه تمامی آنها سجده نمودند بر (پدره ما) آدم. و دیگر آنکه چون عروج داد و بالا برد مرا (خداوند) با آسمانها جبرئیل اذان و اقامه گفت و هر فصلی را دو مرتبه گفت، و بعد از اتمام بمن گفت: پیش بایست یا محمد (برای امامت نماز) گفتم: آیا مقدم شوم بر تو، گفت آری زیرا خداوند پیغمبران را بر تمامی ملائکه فضیلت و برتری داده، و تو را بیک فضیلت خاصی مخصوص فرموده، از این جهت پیش ایستادم

و با ملائکه نماز خواندم. و این بزرگی خود را از روی فخر (و مباهات و تکبر) نمیگویم (بلکه از جهت بیان نعمت و شکر خدائست) و (پس از نماز) بالا رفتیم تا رسیدیم بحجابی از نور و جبرئیل ایستاد و بمن گفت شما بروید، گفتم ای جبرئیل در چنین (وقت و) موضعی مرا تنها میگذاری و جدا میشوی، گفت یا محمد انتهای حد من که خداوند مقرر فرموده تا همین مکانست و اگر (بقدر بند انگشتی) تجاوز کنم بالهایم خواهد سوخت، پس مرا نوری احاطه کرد و بسرعت در نور برده شدم تا آنجائی که الله تعالی بود، و بمن ندا شد (از طرف خداوند که) یا محمد! گفت: بیای سعیدیک تبارکت و تعالیت، پس از آن ندا بمن خطاب شد: یا محمد! منی بنده من و منم پروردگار تو، پس فقط مرا عبادت کن و بمن توکل داشت باش، ما نا تو نور (و خلیفه) من هستی در میان بندگانم، و فرستاده من هستی بسوی مخلوقاتم و حجت من هستی در زمین و برای تو و متابعان و پیروان تو (و برای پیغمبران و بندگان صالح پیش از تو) خلق نمودم بهشت را، و برای منافقان و دشمنان تو (و انبیاء و بندگان صالح) آفریدم جهنم را و برای اوصیاء تو لازم نمودم کرامت خود را و برای شیعیان ایشان واجب نمودم (و خطا مینمایم) ثوابها و اجرهای بزرگ خود را، گفتم خدایا اوصیاء من کیانند، بمن ندا شد: یا محمد، نامهای اوصیاء تو در ساق عرش من نوشته شده (نظر کن) در حالی که در پیشگاه پروردگارم (در مقام مکالمه) بودم بساق عرش نظر کردم دوازده نور دیدم که در دوازده سطر و در هر سطری با خط سبز

نام یکی از اوصیاء من نوشته شده بود، که اول ایشان نام علی بن ابی طالب و آخر آنها مهدی امت من بود، گفتم خدایا اینها را بعد از من، خطاب آمد: یا محمد اینها را اولیاء و احباء و اوصیاء و حجج من بعد از تو در زمین و ایشانند اوصیاء و خلفاء تو و بهترین خلق من بعد از تو. و بعزت و جلالم قسم بواسطه ایشان ظاهر مینمایم و غلبه میدهم دین خود را و کلمات حق خود را بالا میبرم و عالی میگردانم، و بسبب آخری ایشان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پاک میکنم زمین را از (ظلم و جور و کفر و جور) آسمانم و بحیطه تصرف او میدهم مشرقها و مغربهای زمین را و بادهای و آبها را، سخر او گردانم و کلیه اسباب (و وسائل روی زمین) را بدست او دهم. باین گریانم او را یاری کنم و با فرشتگانم او را مدد نمایم تا دعوت (بتوحید) را اشکار کند و جمع نماید مردم را باقرار نمودن بیگانگی و توحید من، و پس از آن پادشاهی و ملک او را همیشگی و ادامه میدهم، و تا روز قیامت (پادشاهی و پادمانداری) روزگار را بین دوستانم بنوبت میگردانم و دست بدست بگردانم.

♦ مطلع هفتم

امام جواد علیه السلام با گفتاری نرم و لطیف با مردم، به خصوص مستمندان گفتگو می کرد. سید العرب بود ولی در گشایش کار هر کسی از هر طبقه ای از اجتماع مذهبی و نژادی کوتاهی نمی کرد. این نگاه مهربان، سرچشمه از افقی پدرا نه به انسان و نیازهای آن داشت. مولایمان آمده بود تا زنجیرهای بخل و حسد و مال پرستی را از گردن بشریت باز کند. دستان با سخاوت او گشاده و منبسط از بسط ربوبی بود و مهر او مهر منور و موفق، و به همان میزان که به بهره ی معنوی و اخلاقی از مال و دارایی عالم داشت، از اسراف و اتلاف جلوگیری می کردند. حضرت جواد علیه السلام به گفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام زندگی را تعریف می کرد، آنجا که به صواب الدین علیه السلام می فرمایند:

روزی ها را مقدر کرد. سپس آن ها را زیاد و کم گردانید، به تنگی و فراخی بخش نمود و در این بخشش به داد و ستد رفتار نمود تا به آسانی دست آوردن روزی ها و دشواری آن هر که را بخشد آزمایش کند و بدین واسطه سپاسگزاری را از غنی شان و شکیبایی را از نادانان و دشان بیازماید.

۱. وَ قَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَ قَلَّلَهَا وَ قَسَمَهَا عَلَى الضِّيقِ وَ السَّعَةِ، فَعَدَلَ فِيهَا لِيُنْتَلَى مِنْ أَرَادَ بِمَنْشُورِهَا وَ مَغْشُورِهَا وَ لِيُخْتَبَرَ بِذَلِكَ الشُّكْرُ وَ الصَّبْرُ مِنْ غَنِيِّهَا وَ فَقِيرِهَا.

بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۴۸

امام جواد علیه السلام بسیار زود یتیم گشت و در دوران کودکی، وارث و مدبر اموال و امکانات حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شد. با این حال، آن یگانه روزگار، طبق دستور پدر خود، سفره داری نمود و برای ارحام و اقوام و دوستان اهل بیت علیهم السلام پدری می نمود.

احمد بن محمد بزّظی می گوید: نامه امام رضا علیه السلام را که برای حضرت جواد علیه السلام نوشته بود، خواندم، نوشته بود: «ای ابو جعفر! به من خبر رسید. وقتی که خدمتکاران می آیند و می خواهی سواره به جایی بروی، از در کوچک خانه در بیرون می آورند، و این به خاطر بخل آنها است که نمی خواهند از جان و توبیخ پیری به نیازمندان برسند، به حقی که به گردنت دارم سوگندت می دهم که هر گاه از درب بزرگ، رفت و آمد کن، وقتی که سوار شدی، درهم و دینار هم ایستاده باشد، سپس به هر کسی که از تو درخواستی نکرد، از آن بده، اگر عمه هایت از تو کمک خواستند، عطای تو به آنها کمتر از پنجاه دینار نباشد. اگر بیشتر دادی، مختار هستی، و اگر عمه هایت درخواست کمک نمودند که از ۲۵ دینار به آنها نده، اگر بیشتر دادی، مختار هستی، همانا من می خواهم خداوند مقام تو را بالا ببرد، پس اتفاق کن، و از کم شدن در درگاه خداوند صاحب عرش، نترس.»

➤ مطلع هشتم

چه خوب می شود که خود را با وجود امام جواد علیه السلام همراه سازیم و از مکتب ثقلین، بارها به این آیات قرآن کریم تدبیر نماییم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٧٦﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٧﴾ يَتَّقِ الْمَكِيدَةَ مَنْ يَشَاءِ وَمَنْ يُتِ الْيَمِينُ تَقَدَّ أُولُو خَيْرٍ كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧٨﴾ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ وَرَبُّكُمْ مِنْ نَذِيرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٧٩﴾ إِنْ تَبَدُّوا لِلصَّدَقَاتِ خَبْرًا هِيَ وَإِنْ تُخْفَوْهَا وَتُؤْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٨٠﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ هَذَا هُنَا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسْكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٨١﴾ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ الدِّخْرَ فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَتَمَثَّلُونَ النَّاسَ بِحُلَا قَا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٨٢﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٨٣﴾

۱. ای اهل ایمان! از بهترین دسترنج خود و از آنچه از زمین برای شما خارج کرده ایم انفاق

امام جواد علیه السلام مظهر بخشش و لطف الهی و پناهگاه فقیران
توحید و خالصان باب امامت است. حضرتش نسبت به خاص و
عام جامعه بی تفاوت نبود و از بارگاه محبت ربوبی، بندگان مشتاق
را هدایت می نمود.

کنید و برای انفاق، بدهارا انتخاب نکنید در حالی که خود حاضر نیستید آنها را قبول کنید،
مگر از آن جنبه پوشید و بدانید که خداوند بی نیاز و ستایش شده است. (۲۶۷) شیطان به
شما وعده فقر می دهد و شما را وادار به بدیهامی کند و خداوند از جانب خود به شما وعده
بخشش و فراوانی می دهد. خداوند بخشنده و دانا است. (۲۶۸) حکمت را به هر که خواهد
می دهد و هر که صاحب حکمت باشد، حقیق خیر فراوان به او داده شده و جز خردمندان
اندرز نگیرند (۲۶۹) به هر چه که انفاق می کنید و بدهید، بیی که در نظر داشته اید، خداوند آگاه
است و ستمکاران یاوری ندارند (۲۷۰) اگر صدقه های خرد را آشکارا دهید، کار پسندیده ای
است و اگر آنها را در پنهان به نیازمندان دهید، برای شما بهتر است و گناهان شمار می پوشاند
و خداوند به آنچه می کنید آگاه است (۲۷۱) هدایت مردم با هدایت ولی خداوند هر که
را بخواهد هدایت می کند و آنچه از خوبی ها انفاق کنید، درباره خویش که اید و انفاق جز
برای رضای پروردگار نکنید و آنچه از خوبی ها انفاق می کنید، به شما می رسد و به شماستم
نمی شود (۲۷۲) انفاق برای کسانی است که در راه خدا از کار مانده اند و نمی توانند به جای
دیگر سفر کنند. مردم نادان آنها را از شدت پاکدامنی بی نیاز می پندارند. به سیمایشان آنها
را می شناسی. از مردم چیزی را با اصرار نخواهند و هر چیز خوبی را انفاق کنید، خداوند بر آن
آگاه است (۲۷۳) آنان که ثروت خود را در شب و روز پنهانی و آشکارا انفاق می کنند، نزد پروردگار
دارای پاداش هستند و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند (۲۷۴). سوره بقره، ترجمه ارفع

وجود جواد الائمه علیهم السلام، باب المراد است، باب رسیدن و وصال حق است. جواد الائمه علیهم السلام، تبسم بخشش کردگار را به صورت، و لطف لطیف حق را به سیرت داشت. هر چند که در ظاهر امر، او در ماجراجویی زمانه، گرفتار ستم ستمگران شده بود، لکن وجود او محدود به این امور ظاهری نبود و حضرتش مافوق این امور ساده، بخششی از جنس رضایت و خوشبختی متین را به حاملان معرفت هدیه می دهد. او جود جوانی را برای هر جرانان ثابت کرده است تا کسی در تنبلی و تأخیر و تساهل، انتخاب های ننگ و امتحان های سرنوشت سازش را موکول به آینده نکند. بارالها، ای به محبت جواد الائمه علیهم السلام زنده دار و با محبت او، استوار در صراط مستقیم علی بن ابیطالب علیه السلام قرار ده.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَنَّكَ لَا هَادِيَ لِمَنْ أَضَلَّكَ وَلَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَنْعَمْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ اللَّهُمَّ لَا قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ وَلَا بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ اللَّهُمَّ لَا مُقَدِّمَ لِمَا أَخَّرْتَ وَلَا مُؤَخَّرَ لِمَا قَدَّمْتَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيمُ فَلَا تَجْهَلُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْجَوَادُ فَلَا تَبْخُلُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا تُسْتَذَلُّ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَنِيْعُ [الْحَلِيمُ] لَا تُؤَاْمِرُ اللَّهُمَّ أَنْتَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْخُلْ بِمَا شِئْتَ

♦ مطلع نهم

سلام بر آن مولایی که هر روز به نزد بیت مادرش صدیقه شهیده حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام می آمد و فروتنانه نعلینش را در می آورد و با حالتی خاضعانه به احترام و اعزاز می ایستاد و سپس نماز می خواند.

وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجِيءُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَعَ الزَّوَالِ إِلَى الْمَسْجِدِ نَبْزُلُ فِي الصَّخْرِ وَيَصِيرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيُسَلِّدُ بَيْنَهُ وَتَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيَخْلَعُ نَعْلَيْهِ وَ يَقُومُ فَيُصَلِّي ..!

امام جواد علیه السلام تأثر دل‌آهن محبت شدید و مودت پاک و راستین بود. به راستی او چه علمی به مقام مادرش داشت که خارج از شنیده‌ها و ساده‌نگری‌های مردمان، به آن‌ها بی‌گریست می‌نگریست؟ جواد الائمه علیهم السلام پیرو چه معرفتی به این امور عالم التزام عملی یافته بود؟ او جواد فاطمیون و ارباب محبتان اُمّ آبیها علیها السلام است. که‌هی که سرمستان قدرت و ثروت و اهل گناه از او می‌هراسیدند.

فکرت صافی و حسرت وافی و دلدادگی حضرت او علیه السلام جواد علیه السلام، مادرش فاطمه علیها السلام و آنچه که بر او گذشت بود.

قَالَ: حَدَّثَنِي زَكَرِيَّا بْنُ أَدَمَ، قَالَ: إِنِّي لَعِنْدَ الرِّضَا علیه السلام إِذْ جِيءَ بِأَبِي

جَعَفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَسَيْتُهُ أَقْلُ مِنْ أَرْبَعِ سِنِينَ، فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ، وَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَأَطَالَ الْفِكْرَ، فَقَالَ لَهُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَنْفُسِي أَنْتَ، لِمَ طَالَ فِكْرُكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيمَا صُنِعَ بِأُمِّي فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ... (روایت ادامه دارد)

سلام بر امام جواد علیه السلام ﴿وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾

علاء مجلسی می نویسد:

چون حضرت امام محمد تقی علیه السلام متولد شد، حضرت فرمود: حق تعالی من فرزندی عطا کرده که شبیه است به موسی بن عمران علیه السلام که آریاه را می شکافت، و نظیر عیسی بن مریم علیه السلام است که حق تعالی قدس گردانیده بود مادر او را، و طاهر و مطهر آفریده شده بود، پس حضرت علیه السلام فرمود: این فرزند من به جور

۱. دلائل الإمامة، ج ۱، ص ۴۰۰

زکریا ابن آدم گفت: نزد حضرت امام رضا علیه السلام بودم، در آن هنگام امام جواد علیه السلام را آوردند و سن آن حضرت کمتر از چهار سال بود، دست های خود را به زمین زد و سر مبارکش را به سوی آسمان بلند کرد، سپس در فکر طولانی فرو رفت؛ امام رضا علیه السلام به او فرمودند: جانم فدایت در چه فکر است که به طول انجامید؟ فرمودند: در آنچه به مادرم فاطمه علیه السلام شد...

۲. مریم، آیه ۱۵

و ستم کشته خواهد شد، و براو خواهند گریست اهل آسمانها، و
حق تعالی غضب خواهد کرد بر دشمن او و کشنده او و ستم کننده
بر او، و بعد از قتل او از زندگانی بهره نخواهند دید، و به زودی به
عذاب الهی واصل خواهند گردید.^۱

www.ketab.ir

۱. جلاء العیون، المجلسي، ص ۹۶۱